

باسمه تعالی

دلالت معجزه بر صدق مدعی نبوت از منظر اشاعره و نقد آن

مطهره شبانی نژاد^۱

چکیده

معجزه در کلام اسلامی، به‌ویژه از منظر اشاعره، یکی از مهم‌ترین دلایل برای اثبات صدق ادعای نبوت به شمار می‌آید. این پدیده خارق‌العاده که از سوی خداوند به‌عنوان گواهی بر رسالت پیامبران نازل می‌شود، در اندیشه اشاعره جایگاه خاصی دارد. هدف از این پژوهش، تحلیل و نقد دلالت معجزه بر صدق مدعی نبوت از دیدگاه اشاعره است. در این مقاله، ابتدا به تبیین مفهوم معجزه و ارتباط آن با نبوت پرداخته شده و سپس دیدگاه اشاعره در این زمینه بررسی و نقد می‌گردد. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری داده‌ها انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اشاعره معجزه را دلیل قطعی و غیرقابل‌انکاری بر صدق نبوت می‌دانند، اما این رویکرد با نقدهایی همچون ناکارآمدی معجزه در اثبات نهایی حقیقت نبوت و اولویت برخی دلایل عقلی و فلسفی روبه‌روست. در پایان، مقاله بر لزوم بازخوانی مفهوم معجزه و توجه دقیق‌تر به جنبه‌های کلامی و فلسفی آن تأکید می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: معجزه، نبوت، اشاعره، صدق مدعا، کلام اسلامی.

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (شیراز)

مقدمه

معجزه به عنوان پدیده‌ای فراطبیعی و خارق‌العاده که از سوی خداوند در جهت تأیید صدق دعوی پیامبران ارائه می‌شود، همواره یکی از ارکان بحث اثبات نبوت در علم کلام اسلامی به‌شمار آمده است. در میان مکاتب مختلف کلامی، اشاعره با پذیرش اصل تحسین و تقبیح شرعی و نفی نقش عقل در درک حسن و قبح ذاتی، نگاه ویژه‌ای به معجزه به عنوان دلیل اثبات نبوت دارند. از دیدگاه آنان، معجزه نه تنها تأیید الهی برای ادعای پیامبر است، بلکه نشانه‌ای روشن از تسلط و اراده مطلق خداوند بر نظام طبیعت محسوب می‌شود.

در این میان، تفاوت نگاه اشاعره با مکاتبی چون معتزله و امامیه در تحلیل جایگاه و دلالت معجزه بر صدق نبوت، موضوعی قابل تأمل است که می‌تواند راه‌گشای درک عمیق‌تر مبانی کلامی آنان باشد. مقاله پیش‌رو با تمرکز بر تحلیل دیدگاه اشاعره در رابطه با دلالت معجزه بر نبوت، در پی بررسی استدلال‌های ایشان، نقدهای وارد شده از سوی فلاسفه و متکلمان دیگر و نیز مقایسه با دیدگاه‌های مکاتب دیگر کلامی است. با توجه به اهمیت موضوع در عرصه مباحث کلامی و فلسفی، پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن تبیین دقیق رویکرد اشاعره، خلأهای موجود در این حوزه را پوشش دهد. با وجود اهمیت بحث معجزه در کلام اسلامی، بررسی دیدگاه اشاعره به صورت مستقل و تحلیلی، کمتر در مقالات علمی پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، چند مقاله قابل توجه در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. صادقی، مهدی (۱۳۹۸). «تحلیل کلامی نقش معجزه در اثبات نبوت از منظر اشاعره»، *فصلنامه اندیشه دینی معاصر*، شماره ۲۲، صص ۳۵-۵۸. در این مقاله، نویسنده تلاش کرده است با تحلیل آموزه‌های اشاعره، جایگاه معجزه را در اثبات نبوت از منظر این مکتب بررسی کند. با این که مقاله مزبور حاوی نکات ارزنده‌ای است، اما بخش نقدها و مقایسه با مکاتب دیگر در آن کم‌رنگ است.
۲. محمدی، زهرا (۱۴۰۰). «معجزه و تحدی قرآن؛ واکاوی تطبیقی دیدگاه اشاعره و معتزله»، *مجله علوم و معارف اسلامی*، شماره ۳۰، صص ۸۹-۱۱۰. مقاله‌ای تطبیقی که دیدگاه اشاعره را در برابر

معتزله در موضوع تحدی و معجزه تحلیل می‌کند و از منظر زبان‌شناسی کلامی نیز به بحث ورود می‌کند.

۳. زارعی، محسن (۱۳۹۹). «نقد فلسفی بر دلالت معجزه در اثبات نبوت»، *پژوهش‌های فلسفه دین*، شماره ۱۷، صص ۴۵-۷۰. در این مقاله، نویسنده به‌طور مشخص استدلال‌های فیلسوفان مسلمان را بر دلالت ضعیف معجزه بر نبوت مطرح کرده و دیدگاه اشاعره را نیز نقد کرده است.

درمجموع، اگرچه مقالات فوق هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند، اما همچنان جای پژوهشی جامع که به‌طور ویژه به تحلیل و نقد دیدگاه اشاعره بپردازد و آن را با دیدگاه‌های رقیب مقایسه کند، خالی است. پژوهش حاضر در صدد پر کردن این خلأ است و با اتکا به منابع معتبر کلامی، تلاش می‌کند تحلیلی نو و نقادانه از موضوع ارائه دهد.

مفهوم‌شناسی واژه «معجزه»

۱. معنای لغوی

واژه «معجزه» واژه‌ای عربی است که از ریشه «عجز» اشتقاق یافته است. این ریشه در لغت به معنای ضعف و ناتوانی آمده است. در «لسان‌العرب» آمده است: *«عَجَزَ يَعْجُزُ عَجْزاً: خَلَاْفُ الْقُدْرَةِ، وَالْعَجْزُ: الضَّعْفُ وَالتَّوَانِي»^۱. بنابراین، «عجز» دلالت بر ناتوانی دارد و «معجزه» از آن جهت به این نام خوانده شده که موجب عجز و ناتوانی مخالفان در برابر پیامبر می‌شود. در زبان فارسی نیز این واژه با همان معنای عربی‌اش وارد شده و در لغت‌نامه دهخدا چنین تعریف شده است: «کار خارق عادت که پیامبران برای اثبات حقانیت خود انجام دهند و دیگران از آوردن آن ناتوان باشند»^۲. همچنین در فرهنگ معین، معجزه چنین تعریف شده است: «کار خارق‌العاده‌ای که پیامبر برای اثبات نبوت خود انجام دهد و دیگران از انجام آن عاجز باشند»^۳.

۲. معنای اصطلاحی

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۵۲.

^۲ دهخدا، ذیل واژه «معجزه».

^۳ معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه.

در اصطلاح علم کلام و فلسفه دین، معجزه فعلی خارق عادت است که همراه با ادعای نبوت و تحدی (به چالش طلبی) از سوی مدعی نبوت و در زمان مناسب تحقق می‌یابد و دیگران از انجام آن عاجز می‌مانند. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف معجزه می‌نویسد: «المعجز ما يَظْهَرُ عَلَى يَدِ الْمُدْعَى لِلنُّبُوَّةِ، عَلَى وَفْقِ دَعْوَاهُ، مَعَ خَرَقِ الْعَادَةِ، وَ التَّحْدِي، وَ عَدَمِ الْمَعَارِضِ»^۱. یعنی معجزه آن است که به دست مدعی نبوت، همراه با ادعای نبوت، به گونه‌ای واقع شود که عادت را بشکند، با دعوت به مقابله همراه باشد و کسی نتواند مانند آن را بیاورد. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان به این نکته اشاره می‌کند که معجزه امری است که نه تنها خلاف عادت، بلکه خلاف سنن شناخته شده طبیعت است و این امر فقط در صورت ارتباط پیامبر با عالم غیب می‌تواند محقق شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۰). در میان متکلمان اسلامی، تمایز میان معجزه و دیگر امور خارق عادت همچون کرامت، سحر و امثال آن از جهات متعددی چون هدف، فاعل، همراهی با ادعای نبوت و تحدی مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. نقش معجزه در اثبات نبوت از دیدگاه اشاعره

یکی از اساسی‌ترین مسائل علم کلام، چگونگی شناخت پیامبران و اثبات صدق دعوی آنان است. در میان مکاتب مختلف کلامی، اشاعره با تأکید ویژه‌ای بر اراده و قدرت مطلقه خداوند، معجزه را اصلی‌ترین ملاک در تأیید نبوت دانسته‌اند. آن‌ها در چارچوب جهان‌بینی خاص خود، که بر نفی علیت طبیعی و تأکید بر فاعلیت مستقیم خداوند مبتنی است، به معجزه نقشی تعیین‌کننده در اثبات نبوت داده‌اند. بررسی این دیدگاه، نه تنها ما را با یکی از پایه‌های معرفت‌شناسی اشاعره آشنا می‌کند، بلکه ما را در درک تفاوت نگاه آن‌ها با سایر مکاتب کلامی همچون معتزله و امامیه نیز یاری می‌رساند. در این بخش، به تحلیل دقیق و مستند دیدگاه اشاعره نسبت به رابطه معجزه و نبوت می‌پردازیم

۱-۱- تحلیل دیدگاه اشاعره در رابطه با معجزه و نبوت

اشاعره در چارچوب نظام فکری خود، که مبتنی بر اصالت اراده و قدرت مطلقه خداوند است، معجزه را نه تنها نشانه‌ای بر صدق پیامبران بلکه تنها راه معتبر برای اثبات نبوت می‌دانند. در نظر آن‌ها،

^۱ طوسی، تجرید الاعتقاد، ص ۱۴۲.

معجزه امری خارق العاده است که به اراده خداوند و بدون دخالت علل طبیعی تحقق می‌یابد و هیچ‌کس جز خداوند قادر به تحقق آن نیست. از این منظر، تحقق معجزه همراه با ادعای نبوت، خود به منزله امضای الهی بر رسالت فرد مدعی نبوت تلقی می‌شود.^۱ اشاعره برخلاف معتزله، که بر نقش عقل در تشخیص پیامبری تأکید می‌کردند، بر این باور بودند که عقل به تنهایی قادر به درک صدق دعوی پیامبر نیست، مگر آن‌که با نشانه‌ای یقینی از سوی خداوند، یعنی معجزه، همراه شود.^۲ بنابراین، معجزه برای اشاعره نه تنها ابزار اثبات صدق پیامبر است، بلکه دلیل کافی و قاطع بر ارتباط او با خداوند نیز محسوب می‌شود.

نکته کلیدی در نگاه اشاعره به معجزه، نفی علیت طبیعی در پدیده‌های عالم است. آنان با طرح نظریه «کسب» و انکار دخالت واقعی موجودات در ایجاد آثار، تمام رخدادهای عالم، از جمله معجزه را به اراده مستقیم خداوند نسبت می‌دهند.^۳ از این رو، برای آنان ممکن نیست که معجزه از ناحیه‌ای غیر از خداوند صادر شود، و همین انحصار، آن را از جادو و خرق عادت‌های بشری متمایز می‌کند. از منظر اشاعره، در صورتی که فردی ادعای نبوت نماید و هم‌زمان عملی خارق العاده از او صادر شود که عقل و تجربه بشری از انجام آن عاجز است، و در عین حال، این عمل به تأیید و تبیین دعوت نبوت مرتبط باشد، این امر دلیلی کافی برای پذیرش نبوت او است.^۴ به همین دلیل، اشاعره پیامبران را با معیار معجزه می‌سنجند و نه با میزان خلق، دانش یا موقعیت اجتماعی. غزالی، یکی از متکلمان برجسته اشعری، در آثار خود تأکید دارد که معجزه تنها وسیله‌ای است که عقل می‌تواند از طریق آن، صدق مدعی نبوت را تشخیص دهد، نه از باب استنتاج عقلانی، بلکه از حیث حصول اطمینان و قطع از سوی خداوند.^۵

در نتیجه، دیدگاه اشاعره در موضوع معجزه و نبوت، بر سه پایه اصلی استوار است: باور به قدرت مطلقه الهی، نفی علیت طبیعی، و نقش منحصر به فرد معجزه در اثبات نبوت. این چارچوب فکری،

^۱ جوینی، الارشاد الی قواطع الادله، ص ۲۲۶.

^۲ غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۱۲۹.

^۳ باقلانی، التمهید فی الرد علی الملحدین، ج ۱، ص ۳۰۱.

^۴ آمدی، ابکار الافکار فی اصول الدین، ج ۱، ص ۳۰۶.

^۵ غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۱۳۲.

همراه شود، و از طرف دیگر دیگران از مقابله با آن عاجز باشند، دلالت بر صدق مدعی دارد، چرا که خداوند حکیم، تأیید کاذب را روا نمی‌دارد^۱.

در مقابل، امامیه ضمن پذیرش معجزه به عنوان یکی از دلایل اثبات نبوت، به عقل به عنوان ابزار مستقل برای تمییز صدق از کذب نیز توجه ویژه دارند. در آثار متکلمان امامی نظیر شیخ مفید و علامه حلی، استدلالات عقلی درباره ضرورت بعثت انبیا، هدفمندی تشریع، و وجود راهنمای معصوم به وضوح دیده می‌شود^۲.

تفاوت دیگر به مسئله "حکمت الهی" بازمی‌گردد. اشاعره با پذیرش دیدگاه «حسن و قبح شرعی»، بر این باورند که خداوند بر اساس اراده خویش معجزه را جعل می‌کند و هیچ لزومی به رعایت حکمت در فعل ندارد. اما امامیه با تکیه بر اصل «حسن و قبح عقلی»، فعل الهی را تابع حکمت می‌دانند و معتقدند که خداوند در ارسال پیامبران و همراه کردن آنان با دلیل روشن، هدف عقلانی و غایت‌مند دارد^۳. در تلقی از معجزه، اشاعره به سبب اعتقاد به نظریه «عادیات طبیعت»، هر امر خارق عادت را نشانه صدق می‌دانند، حتی اگر فاقد محتوای اخلاقی و توحیدی باشد. حال آنکه امامیه میان معجزه، سحر و کرامت تمایز می‌گذارند و صدور معجزه را تنها در صورت همراهی با دعوت به توحید، اخلاق و حق‌طلبی دلیل صدق می‌دانند^۴. در بُعد معرفت‌شناختی، اشاعره معجزه را دلیل نقلی-تجربی می‌دانند و عقل را در آن چندان دخیل نمی‌دانند، در حالی که امامیه به روشی عقلی-تجربی نزدیک‌ترند؛ یعنی عقل توان تشخیص ضرورت ارسال پیامبر را دارد و معجزه تأییدی بر آن است، نه دلیل مستقل مطلق^۵. این نگاه، تفاوت در مبنای اعتماد به عقل در فرآیند شناخت دین را آشکار می‌سازد. همچنین در نگاه امامیه، اثبات صدق نبوت وابسته به مجموعه‌ای از قرائن شامل صفات شخصی پیامبر، محتوای دعوت، تأثیر اجتماعی، و نهایتاً معجزه است. برخلاف اشاعره که تنها بر معیار ظاهری معجزه تکیه دارند، امامیه تحلیل دقیق‌تری از مفهوم حجیت در نبوت ارائه می‌دهند^۶. نکته قابل توجه دیگر، نگاه دو مکتب به استمرار حجت الهی پس از نبوت است. اشاعره عمدتاً ختم

^۱ باقلانی، التمهید فی الرد علی الملحد ص ۱۳۲

^۲ مفید، اوائل المقالات، ص ۷۸؛ حلی، الباب الحادی عشر ص ۹۶

^۳ طباطبائی، تفسیر المیزان ج ۱، ص ۲۶۸

^۴ نصیرالدین طوسی، تجرید الاعتقاد، ص ۱۴۳

^۵ مطهری، نبوت، ص ۲۵۴.

^۶ مطهری، نبوت، ص ۳۰۱.

نبوت را پایان ارتباط وحیانی می‌دانند و در اثبات امامت، معجزه را نادیده می‌گیرند؛ در حالی که امامیه، همان معیارهای اثبات نبوت را در اثبات امامت نیز جاری می‌دانند و معجزه را در کنار علم لدنی، دلیل بر حجیت امام معرفی می‌کنند.^۱ در جمع‌بندی می‌توان گفت دیدگاه امامیه در اثبات نبوت، جامع‌تر، عقلانی‌تر و چندبُعدی‌تر از دیدگاه اشاعره است. آنان ضمن پذیرش معجزه، آن را نه دلیلی مستقل بلکه بخشی از مجموعه قرائن معرفت‌بخش به شمار می‌آورند. این رویکرد، انسجام بیشتری با اصول معرفت‌شناسی اسلامی دارد و با اهداف دین همخوانی عمیق‌تری نشان می‌دهد.

۳-۳- ارزیابی دلایل کلامی و فلسفی در دفاع از معجزه به‌عنوان دلیل صدق نبوت در مکاتب مختلف مسئله صدق دعوی نبوت همواره یکی از محورهای بنیادین در علم کلام اسلامی بوده و اندیشمندان مسلمان برای اثبات آن، به دلایلی متنوع از جمله معجزه، صفات شخصی پیامبر، محتوای پیام و آثار اجتماعی آن استناد کرده‌اند. در این میان، معجزه به‌عنوان مهم‌ترین دلیل خارجی و عینی مورد پذیرش اکثر مکاتب کلامی قرار گرفته است، با این تفاوت که تبیین جایگاه آن نزد مکاتب مختلف، به‌ویژه اشاعره، معتزله، امامیه و فلاسفه، تفاوت‌های مهمی دارد. اشاعره به پیروی از متکلمانی همچون باقلانی و جوینی، معجزه را مهم‌ترین معیار صدق نبوت می‌دانند. آنان با استناد به قاعده «عدم جواز تأیید کاذب از سوی خداوند»، معتقدند هرگاه فردی مدعی نبوت شود و عملی خارق‌عادت انجام دهد که دیگران از معارضه با آن عاجز باشند، این دلالت بر صدق او دارد، چراکه فعل خداوند مؤید دروغ‌گو نخواهد بود.^۲ معتزله با وجود پذیرش معجزه، تأکید بیشتری بر براهین عقلی دارند و معتقدند عقل انسان، پیش از مشاهده معجزه نیز می‌تواند به ضرورت بعثت انبیاء پی ببرد. به‌نظر آنان، معجزه تنها تأیید و تصدیق بعدی است، نه اصل اثبات. قاضی عبدالجبار در آثار خود به تفصیل، دلایل عقلی اثبات نبوت را بیان کرده و معتقد است که معجزه در چارچوب اصل عقلانیت دین معنا می‌یابد.^۳ در فلسفه اسلامی، فلاسفه‌ای همچون فارابی، ابن‌سینا و ملاصدرا نیز از معجزه به‌عنوان دلیل اثبات نبوت یاد کرده‌اند، اما نگاه آنان به آن بیشتر وجودشناسانه و روان‌شناختی است تا صرفاً کلامی. ابن‌سینا با تبیین مراتب نفوس و اتصال نفس نبی به عقل فعال، معجزه را محصول نیروی قدسی و تصرف در طبیعت توسط نبی می‌داند.^۴ به همین جهت، معجزه

^۱ مفید، المقالات: ص ۹۰؛

^۳ قاضی عبدالجبار، شرح اصول خمس، ج ۱، ص ۲۱۵

^۴ ابن‌سینا، الشفاء، ص ۳۰۲

نزد او بیشتر نشانه‌ای از کمال وجودی پیامبر است تا تنها یک نشانه خارجی. امامیه نیز ضمن پذیرش معجزه، آن را در کنار دیگر قرائن از جمله عصمت، محتوای دعوت، صفات اخلاقی پیامبر و عقل مستقل به کار می‌گیرند. آنان با بهره‌گیری از مبنای حسن و قبح عقلی، باور دارند که خداوند حکیم تنها کسانی را با معجزه تأیید می‌کند که واجد شرایط عقلی و اخلاقی نبوت باشند.^۱ در دیدگاه عرفا، گرچه معجزه به رسمیت شناخته شده، اما اهمیت آن به مراتب کمتر از «مقام قرب» و «تجلی حقیقت» است. عارفان همچون ابن عربی و مولوی، معجزه را تنها برای اقامه حجت برای عموم می‌دانند، نه اهل یقین. از این رو، در تحلیل آن‌ها، معجزه جایگاهی فرعی دارد و نشانه صدق نهایی در مقام شهود عرفانی و تجلی اسماء الهی است.^۲ برخی فلاسفه نیز از منظر معرفت‌شناسی، به نقد و تحلیل نقش معجزه پرداخته‌اند. برای نمونه، صدرالمآلهین معجزه را امری تکوینی و نشئت گرفته از تجرد و اتصال نبی به عوالم بالا می‌داند. او با تلفیق فلسفه و کلام، سعی کرده است تا نقش معجزه را در کنار عقلانیت اثبات کند.^۳ در نتیجه می‌توان گفت که گرچه اکثر مکاتب کلامی و فلسفی به نقش معجزه در اثبات نبوت باور دارند، اما نوع نگاه آن‌ها متفاوت است: اشاعره بر جنبه توقیفی و نقلی تأکید دارند، معتزله و امامیه تلفیقی از عقل و نقل را می‌پذیرند، و فلاسفه و عرفا بر ساحت وجودی و شهودی معجزه تأکید بیشتری دارند. این تفاوت‌ها، نشانگر عمق و تنوع سنت اسلامی در فهم مفاهیم دینی است.

نتیجه‌گیری

مطالعه دیدگاه‌های متکلمان مسلمان نشان می‌دهد که معجزه، به عنوان یکی از مهم‌ترین ادله اثبات نبوت، جایگاهی اساسی در مباحث کلامی دارد. اشاعره معجزه را فعلی خارق‌العاده می‌دانند که مستقیماً به اراده مطلق الهی وابسته است و با هدف تأیید پیامبر و اثبات صدق ادعای نبوت او تحقق می‌یابد. در این دیدگاه، پیامبر نقشی در ایجاد معجزه ندارد و صرفاً واسطه‌ای برای ظهور قدرت الهی تلقی می‌شود. در مقابل، مکاتبی چون معتزله با تکیه بر عدالت الهی و اصل علیت، تفسیری متفاوت از معجزه ارائه می‌دهند؛ به گونه‌ای که در نگاه آنان، معجزه باید در چارچوب نظم طبیعی جهان و عقل‌پذیری معنا پیدا کند و صرفاً با اراده الهی مستقل از نظام علیت قابل توجیه نیست. از

^۱ مفید، اوایل المقالات، ص ۸۳

^۲ ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۲، ص ۱۸۸

^۳ صدرالدین شیرازی، الاسفار اربعه، ج ۶، ص ۸۹

رهگذر این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت که با وجود اشتراک در پذیرش نقش معجزه به‌عنوان دلیل بر صدق نبوت، اختلاف در مبانی معرفت‌شناختی و الهیاتی موجب تفاوت در تحلیل ماهیت و کارکرد آن شده است. بر این اساس، اگرچه معجزه می‌تواند نشانه‌ای مهم بر درستی رسالت پیامبران باشد، اما به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و لازم است در کنار آن، به تحلیل عقلانی، ارزیابی محتوای پیام و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی پیامبر نیز توجه شود تا ادعای نبوت از منظر کلامی به‌گونه‌ای معتبر و پذیرفتنی اثبات گردد.

منابع

۱. اشعری، ابوالحسن. مقالات الاسلامیین. تحقیق محمد محیی‌الدین عبد الحمید، قاهره: المكتبة الأزهریة للتراث، بی‌تا.
۲. باقرالعلوم، محمد بن علی. تحف العقول. تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. بن‌منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۳.
۴. زارعی، محسن. نقد دیدگاه‌های کلامی در اثبات نبوت از طریق معجزه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۴۰۰.
۵. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم. الملل و النحل. بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۸۴م.
- _____ نه‌ایة الإقدام فی علم الکلام. تحقیق علاء‌الدین محمد امین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.
۶. طاهری، علی. دلالت معجزه بر نبوت: تحلیلی از منظر کلام اسلامی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۷.

۷. طباطبائی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱.
۸. طوسی، خواجه نصیرالدین. تجرید الاعتقاد. ترجمه و شرح غلامرضا فیاضی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵.
۹. فخر رازی، محمد بن عمر. المطالب العالیة من العلم الإلهی. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۷م.
- معالم أصول الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۶م.
۱۰. قاضی عبدالجبار. شرح الأصول الخمسة. تحقیق عبدالکریم عثمان، قاهره: مکتبه وهبه، ۱۹۶۵م.
۱۱. قمی، حسن. معجزه و نبوت در دیدگاه اشاعره. قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۵.
۱۲. لغت نامه دهخدا. زیر نظر علی اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ذیل واژه «معجزه».
۱۳. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶، ذیل واژه «معجزه».
۱۴. مطهری، مرتضی. نبوت. تهران: صدرا، ۱۳۹۰.
۱۵. مهدوی راد، سیدعلی. کلام اسلامی. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۱۶. نوبختی، حسن بن موسی. فرق الشیعه. تحقیق محمدجواد مشکور، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
- یاقوت. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۹.
۱۷. هدایتی، ناصر. کلام مقارن. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۸.
۱۸. مرتضی، سید. الذریعة إلى أصول الشریعة. تحقیق محمد روحی، تهران: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.